

## ترامپ و آزادی بیان - در مورد اشغال کنگره آمریکا!

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

### کودکان کار با آرزوهای بزرگ

یک یادداشت کوتاه برای بی دفاع ترین قربانیان جمهوری اسلامی

صفحه ۵

پروین کابلی

### علیه فتوای کشتار جمعی خامنه ای متحدانه اعتراض کنیم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### ترامپ ستیزی تقوایی اصالت ندارد

صفحه ۶

جاوید حکیمی

### رئیس جمهور آمریکا و آزادی بیان

صفحه ۷

سیاوش دانشور

### سازمان زحمتکشان کردستان ایران باید جوابگو باشد!

صفحه ۸

صالح سرداری

### اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز

صبح چهارشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۹۹ کارگران خطوط تولید در بخش‌های میلگرد کوثر، لوله سازی و نورد تیر آهن دست به اعتصاب زدند. کارگران فولاد برای مزایا و اضافه کاری دوره کرونا و اعتراض به حضور مدیران فاسدی که مورد قبول کارگران نیستند، وارد اعتراض و اعتصاب شدند. همینطور کارگران فولاد در روز دوشنبه ۲۲ دیماه با اجتماع بزرگی درون کارخانه به برگزاری انتخابات قلابی شورای ضد کارگری اسلامی کار اعتراض کردند و نیروهای اداره کار را از کارخانه بیرون کردند. درود بر اتحاد و رزم کارگران فولاد!

۵۷۸

مستکمی  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۲۶ دی ۱۳۹۹ - ۱۵ ژانویه ۲۰۲۱

### خامنه ای:

### واکسن نه، قتل عام!

تاریخ سرمایه داری و سیر تطور آن با خون و چرک و جنایت تنیده است. این تاریخ مملو از حکام و آدمکشانی است که هنوز نامشان مو بر تن زندگان راست میکند. خامنه ای قصد دارد رکورد خونریزی و قصی قلبی خمینی را بشکند. وی پاندمی ویروس کرونا را ابزاری کارا برای بقای ویروس حکومت اسلامی در ایران یافته و کمر به قتل عام شهروندان بی دفاع و زمینگیر کردن مردم محروم بسته است.

دستور خامنه ای مبنی بر عدم خرید واکسن از آمریکا و انگلیس در شرایط وحشتناک مرگ و میر در پاندمی کرونا، فرمان کشتار جمعی است، سازماندهی یک هولاکاست اسلامی - کرونائی است. ایران از نادر کشورهای جهان است که یک آخوند بیسواد با افکار مالیخولیایی در همه اموری که کمترین تخصصی در آن ندارد دخالت می کند، کل علم پزشکی و دانش و حقوق بدیهی و شعور انسانها را انکار می کند و سران حکومت تا وزیر بهداشت و پزشکان درباری بر آن صحنه میگذارند.

حکومت اسلامی طی یکسال پاندمی کرونا با عملکردی که همگان بر آن آگاهند، مسبب و مسئول تلفات بالا و منحصر

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## خامنه ای:

## واکسن نه، قتل عام ...

بفرد مردم بی دفاع بوده است. اگر جمهوری اسلامی تا قبل از تولید واکسن هنوز تلاش میکرد که عملکرد جنایتکارانه اش را با بحث تحریم اقتصادی و پاس دادن مشکل به آمریکا توجیه کند، که بنا به دلایل روشن و فساد مطلقاً قابل توجیه نبود و نیست، امروز با منع خرید واکسن های فی الحال معتبر در بازار رسماً و علناً دستور قتل عام میدهد. تاکید این نکته ضروری است که سیاست تحریم آمریکا و دول غربی شامل دارو و خرید واکسن نبوده و هیچ مانع جدی نقل و انتقال مالی در این زمینه وجود نداشته است. امروز که این توجیحات ارزش مصرف خود را از دست داده است، پرده می افتد و چهره کریه و سیاست جنایتکارانه حکومت و در راس آنها خامنه ای بیش از پیش برملا میشود.

دروغ و ریاکاری خامنه ای بر کسی پوشیده نیست. مردم ایران میدانند که تخم و ترکه های حضرات، نکبت زاده ها، با ثروتهای دزدیده شده آن جامعه در آمریکا و انگلستان و کانادا سلطنت می کنند و به ریش همه می خندند. دایناسورهایی که در تریبونهای نماز جمعه از مردم میخواهند برای علاج کرونا دعا کنند یا شاش شتر بنوشند یا روغن بنفشه استعمال کنند، خودشان مرتباً در تور مسافرتی و پزشکی به کشورهای اروپا و آمریکا هستند. یک هواپیمای اختصاصی با ملازمان مجتبی خامنه ای راه می افتد تا با صرف هزینه های سرسام آور و بهترین تیم های پزشکی انگلستان، نوه خامنه ای متولد شود و لاکچری ترین تولد را بنام خود ثبت کند. بعد همین فرد ریاکار و قاتل در مقابل مرگ و خودکشی کودکان کار و مردم اسیر پاندمی کرونا علیه انگلیس و آمریکا شعار میدهد!

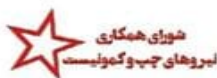
خامنه ای با منع خرید واکسن مهمترین و مهلک ترین تحریم را بر مردم ایران اعمال کرد که نتایج آن بسیار خونبارتر و مهلک تر از تحریم های تجاری خواهد بود. دولتهای آمریکا و اروپا هنوز خرید دارو و واکسن را برای جمهوری اسلامی تحریم نکردند اما خامنه ای جلو زد و با سیاست منع خرید واکسن، این جنایتکارانه ترین تحریم را به مردم ایران اعمال کرد. خامنه ای قصاب با توجیحات یک روان پریش عملاً مردم بی دفاع را به مرگ دستجمعی در موج جدید پاندمی کرونا محکوم کرد.

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران اینست که علیه حکومت اسلامی وسیعاً اعتراض کنید و توی دهن خامنه ای بزنید. خامنه ای باید حرفش را پس بگیرد. مردم آزادیخواه ایران و در راس آنها طبقه کارگر حق دارد با اعتراض تند و بی تخفیف خامنه ای و گماشتگانش را سر جای خود بنشانند. خامنه ای و هر فاشیست و رئیس جمهوری غلط میکند ساکنین یک جامعه را آگاهانه و عامدانه در مقابل پاندمی کرونا به حال خود رها کند. اگر در دنیا نیمچه عدالتی وجود داشت، چنین افرادی را بجرم جنایت علیه بشریت دادگاهی و مجازات میکردند.

در اوضاع کنونی جهان و پیامدهای پاندمی کرونا، تامین لوازم زندگی و سرپناه و دارو و درمان، فوری ترین و بدیهی ترین حق هر انسان کره خاکی است و دولتها موظف به تامین آن هستند. بطور مشخص تر، برخورداری و دسترسی رایگان همگان به واکسن با استانداردهای بهداشت جهانی، حق بی برو برگرد ساکنین ایران است.

سردبیر.

۱۴ ژانویه ۲۰۲۱



### علیه فتوای کشتار جمعی خامنه ای متحدانه اعتراض کنیم!

خامنه ای حکم داد که خرید واکسن از آمریکا و انگلیس ممنوع است و به فرانسه هم اعتماد ندارد. این سخنان در عین حال که بیانگر رفتار یک روان پریش است؛ در همانحال حافظ منافع ویژه سران حکومتی است که همانند بختک بر زندگی آحاد جامعه سنگینی میکند. اینها کسانی هستند که روزانه راهی بیمارستانهای اروپا هستند. داستان و هزینه نجومی تولد لاکچری نوه خامنه ای جلاد در انگلستان نقل مجالس است. خامنه ای با این فتوا و تأیید گماشتگانش از روسای سه قوه تا وزیر بهداشت، آشکارا حکم کشتار جمعی شهروندان در ایران را صادر کرده است. خامنه ای همراه با دیگر سران حکومت برای همین اقدام و جنایتهای بیش از چهار دهه باید محاکمه و مجازات شود.

**واکسنیسیون رایگان با استاندارد سازمان بهداشت جهانی برای همگان، حق کلیه ساکنین ایران است!**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۲۳ دیماه ۱۳۹۹ - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۱

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



## ترامپ و آزادی بیان - در مورد اشغال کنگره آمریکا!

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

شده، نمیتوانند استفاده کنند. بلکه هر فرد بنا به موقعیت اقتصادی و اجتماعی و امکاناتی که در دسترس دارد، میتواند، از آن استفاده کند. در ادامه بحث به آن برمیگردیم.

یک استدلال نادرست و نادقیق دیگر اینست، که "اکنون رسانه های غول پیکر مثل توئیتر و گوگل و ... مقدرات زندگی و نحوه استفاده از آزادی بیان و یا منع آزادی بیان را رقم زده و با استدلالات سابقمان نمیتوانیم از حق آزادی بیان دفاع کنیم". این ادعا نادرست است، چون عاقبت این شبکه های اجتماعی موثر، نتوانسته اند، قانون منع حرف زدن را به دست بگیرند و به جای دولتهای منع کننده آزادی بیان عمل کنند. این مدیاهای پر قدرت با اتکا به قدرت اقتصادی و ثروت و سود متکی به نظم و رونه کاپیتالیستی فضا را به دست گرفته و تازه خود اینها بعضا انحصار دولتها بر رسانه ها و افکار سازی عمومی را شکسته اند. واضح است اینها بنا به منفعتهای خود حرف و عقاید را منتشر میکنند و البته این وارونه و ناعادلانه است، اما ریشه در مناسبات وارونه کاپیتالیستی دارد، اگر بخواهیم، این وضعیت را تغییر دهیم، باید این نظم وارونه را تغییر داد.

بگذارید، ملاحظاتم را در مورد نظر کسانی که اتفاقا مثل من فکر میکنند، آزادی بیان ترامپ نقض نشده و بخشا استدلالات نادقیق و ناکافی دارند و میتواند تفسیر بردار باشد، بیان کنم. از جمله گفته میشود، چون "رئیس جمهور است و در راس دولت است، و قاعدتا از امکانات مدیایی این موقعیت بهره مند است، پس آزادی بیان او نقض نشده!"، این فاکت درست است، اما ناکافی و یکجانبه است. میپرسم، اگر رئیس جمهور نبود، آزادی بیان او نقض شده بود؟! من میگویم اگر رئیس جمهور هم نبود و یک هفته، ده روز دیگر نخواهد ماند و همین پروپاگاند را ادامه دهد و دوباره رسانه هایی برایش پخش نکنند، آنوقت هم آزادی بیان او نقض نشده است! اگر در صورتی قدرت حاکمه رسماً اعلام کند، ترامپ حق حرف زدن ندارد و با اتکا به دادگاه و قانون و زندان او را از بیان عقاید حتی فاشیستی اش محروم کنند، آنوقت مساله فرق خواهد کرد و من هم نظر دیگری خواهم داشت.

مساله دیگر اینست گفته میشود، "ترامپ راسیست و فاشیست است، لذا باید مانعش شد". در این مساله هم یکجانبه نگری و برخورد نادرست می بینم، سؤال من این خواهد بود، در یک جامعه آزاد و از جمله در جامعه آزاد سوسیالیستی مورد نظر ما، راسیست و فاشیست نمیتواند حرفش را بزند؟! من فکر میکنم، همانطور ما به عنوان کمونیسم کارگری به روشنی بیان کردیم، در یک جامعه آزاد و برابر، شنیعترین نظرات و عقاید باید بتواند بیان شود، به نظرم عقاید فاشیستی، راسیستی، اسلامی، خرافی، لیبرالی، حق دارند، بیان شوند، همانطور که افکار مترقی و آزادیخواهانه و سوسیالیستی در مقابل آنها برای خنثی کردنشان مطرح میشوند. اینجا باید بین بیان مثلاً عقاید فاشیستی و راسیستی با سازماندهی حرکت و اقدام عملی فاشیستی برای صدمه زدن به شهروندان جامعه و روند زندگی اجتماعی لازمست

سعیدآرمان: به دنبال بسته شدن اکاونت ترامپ در توئیتر و یوتوب و بعضی شبکه های اجتماعی این مساله مطرح شده که آزادی بیان ترامپ نقض شده. این موضوع موافقین و مخالفینی دارد. نظر شما چیست؟

رحمان حسین زاده: سؤال شما دو بخش دارد، اول نظر من در این رابطه و دوم نظر متفاوت و ملاحظاتم را در مورد نظرات موافق و مخالف این موضوع به اختصار بیان میکنم.

نظر من اینست که آزادی بیان ترامپ نقض نشده است. چون کسی، موسسه ای، رسانه ای، یا حاکمیت و قدرتی به او نگفته حرف نزن، ابراز وجود نکن، پلیس و دادگاه سراغ او نرفته است. او در همان ششم ژانویه حرفش را زده، متینگ برگزار کرده، تحریک و تهییج هم کرده است. در میان رسانه های متعددی که حرفهای او را منعکس میکنند، چند شبکه اجتماعی بخش خصوصی، مثل توئیتر و یوتوب و ... تصمیم گرفتند، حرفهای او را پخش نکنند. نه گفته اند دیگر او حق حرف زدن ندارد، قانونی را علیه آزادی بیان او به تصویب نرسانده اند. در موقعیت قدرت اجرایی منع افکار و عقاید فاشیستی ترامپ که نیستند. ترامپ رئیس جمهور است و همزمان از امکانات مدیایی کاخ سفید و دولت برای بیان نظرات خود استفاده میکند. همین امروز قبل از مصاحبه من و شما پیام ویدئویی منتشر کرد و همه تلویزیونهای مشهور آمریکا و جهان و همانها که مخالفش هستند، آن را پخش کردند. نفس اینکه رسانه ای و یا چند رسانه به ترامپ و یا هر کس دیگری بگویند گفته و نوشته او را پخش نمیکند، به معنای نقض آزادی بیان نیست. از قدیم تا بحال روزنامه ها و مجلات و رسانه های تصویری و صوتی فراوان برحسب منافع و جهت گیری خودشان، نوشته و گفته خیلی ها را انتشار نداده و این پدیده را به عنوان شاهدهی بر نقض آزادی بیان دسته بندی نکرده اند. در این مورد مساله به همین شکل است.

در این رابطه فکر میکنم به شکل نادرست و نادقیقی اصل درست "آزادی بیقید و شرط سیاسی" و گویا نقض آن به این مورد مشخص تعمیم داده شده است. چهاردهه قبل جریان ما و مشخصاً اتحاد مبارزان کمونیست، این اصل درست را برجسته کرد و وارد برنامه کمونیستی کرد، به این دلیل در مقابل رژیمهای استبدادی خشن مثل حکومت سلطنتی و جمهوری اسلامی برجسته شد، که قانوناً و رسماً حق آزادی بیان و عقیده را سیستماتیک زیر پا می گذاشتند و نیروهای اپوزیسیون و از جمله اپوزیسیون چپ "حق آزادی بیان" را مشروط میکرد. در صورتی که در آمریکا و کشورهای اروپایی با این مساله روبرو نیستیم. اینجا در غرب در سطح حقوقی "آزادی بیان و عقیده" رسمیت پیدا کرده است. در همان انگلیس که شما هستی و اینجا در سوئد که من هستم، شهروندان جامعه بدون ترس سرکوب و زندان و شکنجه عقاید خود را با امکاناتی که در دسترس دارند، بیان میکنند. فکر میکنم در این مورد این بی دقتی وجود دارد که بین حق آزادی بیان و استفاده واقعی و عملی هر فرد از حقی که دارد، تفاوت قائل نمیشوند. در خود غرب شهروندان جامعه مثل هم از حقی که ظاهراً به یکسان برای همه به رسمیت شناخته

رویداد را بر چہرہ ہمہ سران جہان کاپیتالیستی در دنیا می بینید. خود آن عمل اشغال کنگرہ خیلی بزرگ نبود، حدود یک ساعت، یکی دو ہزار نفر آنجا را اشغال کردند، اما این نوک کویہ بزرگ اتفاقات تعیین کننده تر در روند تحولات آتی جامعہ آمریکا است. ساحت "مقدس" سرمایہ بہ اشغال راست افراطی فاشیست درآمد. "تقدس" کنگرہ و دیگر سمبلہایشان شکست، بگذار بیشتر شکستہ شود. فاشیستہا ہم یک واقعیت را می بینند، آن ہم اینکہ تودہ وسیع مردم از ساختارہای موجود، از کنگرہ و کاخ سفید و کنگرہ نشینان و سردمداران دو حزب مافیای قدرت در آمریکا وسیعاً و عمیقاً بیزارند. این واقعہ شکافہای درون نظام سرمایہ را عمیق تر کردہ است. تا ہم اکنون لطمات جدی بہ اعتبار ہیئت حاکمہ امپریالیستی آمریکا زدہ و لطمات جدیدتر در راه است.

**سعید آرمان:** خیلی ها و در افکار عمومی ماجرای بہ اشغال در آوردن کنگرہ محکوم شد، نظر شما چیست؟

**رحمان حسین زادہ:** واضح است کارگر آگاہ و صف آزادیخواہ و کمونیست از پایہ و بنیان و تمام قد علیہ فاشیسم، افق و سیاست و تاکتیک و پراتیک و عملکرد فاشیستی هستیم. در نتیجہ هیچ عملکرد فاشیستہا و از جملہ در این مورد ہم مورد تائید ما نیست. اما برای آزادیخواہان و برابری طلبان و مبارزین حق طلب و کمونیست در آمریکا و جہان، محکومیت حملہ بہ ساحت "مقدس" سرمایہ، بہ امکان و سمبلہای سرمایہ امپریالیستی، بہ مکانی کہ بیش از دویست سال است، محل تصویب و اجرایی کردن ہمہ سیاستہای ضد انسانی و تبعیض آمیز و جنگ طالبانہ در خود آمریکا و سراسر جہان است، مطلقاً موضوعیت ندارد. جنبش طبقہ کارگر خودآگاہ و سازمانیافتہ و رہابی بخش در آمریکا میتواند بہ موقعیتی برسد، قیام کارگری سازمان دہد و این مکانہا را بہ تصرف درآورد.

\*\*\*

**"مادام کہ در نظامی ہویت انسانی اولیہ تودہ کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، کہ در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیہ رژیمہای قومی، نژادی و مذہبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم بہ امر اعادہ شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانہا گرہ میخورد".**

منصور حکمت

## ترامپ و آزادی بیان - در مورد اشغال کنگرہ آمریکا!

**گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زادہ ...**

فرق قائل بود. یک دستہ فاشیستی میتواند عقایدش را نشر دہد، اما همان دستہ اگر بخواہد حملہ بہ مناطق مسکونی مهاجرین را سازمان دہند، قدرت حاکمہ ہر کس هست، با مکانیسم و قانون و نیروی خود باید مانعشان شود. یعنی بین بیان عقاید و اقدام عملی مجرمانہ براساس همان عقاید فرق هست و باید دولت و قدرت حاکمہ برخورد متفاوت داشتہ باشد.

**سعید آرمان:** شما در صحبت ہایتان بین حق آزادی بیان و استفادہ واقعی از آزادی بیان تفاوتی را می بینید؟ منظورتان چیست؟ و استفادہ واقعی و برابرانسانہا از آزادی بیان چگونه تامین میشود؟

**رحمان حسین زادہ:** در این مورد بگذار مشخص صحبت کنیم. در آمریکا و کشورہای اروپایی طبعاً بعد از مبارزات بزرگ اجتماعی، حق آزادی بیان و عقیدہ بہ رسمیت شناختہ شدہ و در قوانین دولتہا وارد شدہ و این دولتہا نمیتواند مانع بیان عقاید افراد شوند. اما سؤال اینست آیا ہمہ شهروندان جامعہ همانند ہم میتوانند از حق آزادی بیان خود استفادہ کنند؟ واضح است نہ! مثال مشخصی بزنم. در انگلستان کہ شما هستید، در سطح حقوقی شما و بوریس جانسون نخست وزیر ہر دو مشابہ ہم دارای حق آزادی بیان هستید. نہ اکنون حتی دو سال قبل کہ هنوز نخست وزیر ہم نبود، او بہ عنوان آکٹیویست حزبش و شما سعید آرمان ہم بہ عنوان آکٹیویست کمونیست و حزب ما فعالیتہای مختلف داشتید. بوریس جانسون متکی بہ امکانات وسیع حزبش و قدرت اقتصادی کہ در اختیار داشتہ و دارد، متکی بہ امکانات مدیایی و سیاسی وسیع بود، ہر بار سیاستہا و افکار پوسیدہ اش را با میلیونہا انسان در میان میگذازد و شما سعید آرمان کمونیست بارہا بلندگو بہ دست گرفتہ در میدان ترافالگار و جلو سفارت نظرات انسانی ات در بہترین حالت با ہزار نفر در میان گذاشتید. در نتیجہ ہر دو ظاہراً حق ابراز بیان و عقاید را دارید، اما شما بہ دلیل تعلق بہ کارگر و بخش محروم جامعہ و نداشتن قدرت مالی و ابزارہای اجتماعی موثر بہ طور واقعی از حق خود استفادہ کامل و واقعی نمیکنید. این تفاوتی است کہ باید متوجہ اش بود. این ریشہ در مناسبت نابرابر اقتصادی و طبقاتی و اجتماعی و سیاسی تحمیل شدہ از جانب نظم وارونہ کاپیتالیستی دارد. در نتیجہ برای استفادہ واقعی از حق آزادی بیان و نشر عقایدمان درست مثل بہرہ مند شدن ہمہ شهروندان بہ نحو برابر از نعمات زندگی، باید مناسبات تبعیض آمیز کاپیتالیستی را از بنیان برافکنند. با ایجاد یک جامعہ برابر و آزاد امکان استفادہ واقعی شهروندان جامعہ را از ہمہ حقوقی کہ بہ آنها تعلق دارد، فراہم کرد.

**سعید آرمان:** بہ موضوع دیگری پردازیم، چہارشنبہ ششم ژانویہ کنگرہ آمریکا بہ اشغال فاشیستہا درآمد، بازتاب این واقعہ و پیامدہایش را برای ہیئت حاکمہ آمریکا چگونه می بینید؟

**رحمان حسین زادہ:** بہ نظرم اتفاق بسیار مهمی بود. پایہ های ہیئت حاکمہ کاپیتالیستی آمریکا را لرزاند و مظهر دمکراسی شان، کنگرہ زیر لگد جناح راست افراطی سرمایہ داری رفت. نگرانی عمیق از این





دانش آموزان کفایت که سهمیه غذای مناسب خود را از طریق آن برای روز سفارش بدهند. (تمام دانش آموزان در سوئد دارای کامپیوتری که مدارس مجانی در اختیار دانش آموزان قرار میدهد هستند و هزینه ای بابت آن پرداخت نمی شود). غذای سفارشی در بسته های مختلف از طریق آشپزخانه آماده و دانش

آموزان هنگام استراحت نهار؛ در حیاط مدرسه غذایشان را تحویل گرفته و با خود به خانه ببرند. این سهل ترین قسمت این کار است. اما ما دانش آموزانی داریم که حتما باید با کسی غذا بخورند، یا آلرژی دارن، یا ما می دانیم که شرایط خانوادگی مناسبی ندارند و بسیار موانع دیگر. ما به همه اینها فکر کرده ایم و تلاش کرده ایم برای همه اینها راه حل پیدا کنیم و مسئله مهم دیگر اینکه با آمدن به مدرسه برای بردن غذا مقداری هم تحرک خواهند داشت و این برایشان خوب است.

سوئد کشوری سرمایه داری ست و ناعدالتی به وفور همه جا دیده می شود. اما میشود مقایسه کرد. تفاوت زمین تا آسمان است. بعنوان کسی که سالها چه در ایران و چه در سوئد معلم بوده است این گزارش بشدت مرا غمگین کرد. وقتی رضا فیوچی در سیزده سالگی می گوید آنقدر سرکار بوده ام که هیچوقت به آرزو فکر نکرده ام، وقتی پسر درس خوانی مانند محمد موسوی زاده یازده ساله آنقدر عقالش می رسد که برای دسترسی به کلاس ننی بدلیل نداشتن یک تلفن از سر استیصال خودکشی کند، دیگر باید گفت لعنت براین زندگی و لعنت براین حکومتی که کمر به قتل کودکان بسته است. کودکانی که زیر سایه نامبارک اسلام با فشارهای اقتصادی و اجتماعی و ناعدالتی بزرگ می شوند آرزویی جز مرگ ندارند. سازمان ملل در گزارش سالانه امسال تابستان اعلام کرد که در سایه کرونا امنیت اجتماعی و حقوقی کودکان کار بسیار بدتر شده است. اما برای کودکان در ایران که تحت حکومت ضد کودک نمایندگان خدا دنیا می آیند، قبل و بعد کرونا چه فرقی دارد؟ دارم فکر می کنم که اگر رضا فتوچی ها و محمد موسوی زاده ها این گزارش رادیوی سوئد را گوش می کردند چه می گفتند. فکر نمی کردند که این هم جزو داستان های افسانه ای غیرممکن است. آیا اصلا تصور برخورداری از پایه ای ترین حق انسان یعنی گرسنه نبودن برایشان ممکن بود؟ آیا این خیال پردازی بزرگی است که بجای شستن شیشه ماشین های لاکچری در پشت چراغ قرمزها فقط به مدرسه می رفتند و غذای گرمی می خوردند. آیا واقعا این آرزوی بزرگی است.

ایران کشور آرزوهای بزرگ است، کودکانی که آرزوی مرگ می کنند!

۱۴ ژانویه ۲۰۲۱

**اعدام قتل عمد دولتی است!**

## کودکان کار با آرزوهای بزرگ

یک یادداشت کوتاه برای بی دفاع ترین قربانیان جمهوری اسلامی

پروین کابلی

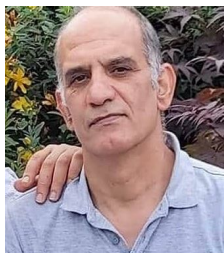
هفته گذشته دولت سوئد مقررات جدیدی در رابطه با پاندمی کرونا و قرنطینه در مدارس متوسطه وضع نمود و اعلام کرد که مدارس بنا به تشخیص مسئولین کمون ها می توانند کلاسهای دانش آموزان ششم ابتدایی تا نهم را از طریق نت پیش ببرند، این دستورالعمل دولت از روز یازدهم ژانویه با باز شدن مدارس بعد از تعطیلات سال نو به اجرا درآمد. کشور سوئد جزو کشورهای نادر در دنیا است که کودکان از مهد کودک تا پایان دبیرستان از تغذیه رایگان بهره مند هستند و کمون ها موظفند که نقش عمل وزارت آموزش و پرورش را برای تهیه تغذیه مناسب با رشد کودکان را اجرا نمایند. سیاست تغذیه خوب برای همه کودکان ربطی به شرایط خانوادگی آنها ندارد و هدف از این سیاست نه تنها سیر کردن شکم کودکان و نوجوانان است بلکه عادت به غذای مناسب، احترام از غذای نامناسب، ایجاد امکانات برابر در مدارس برای همه کودکان و غیره می باشد. علیرغم فشار بخش خصوصی برای تحمیل شرایط نامناسب و سودآوری بیشتر، در سالهای اخیر کیفیت مواد غذایی در آشپزخانه های مدارس بالا رفته و مسئولین مربوطه هدفمندانه دانش آموزان را در برنامه غذایی و سرویس های آن ترغیب به دخالت فعال می کنند. برنامه غذایی تمام مدارس در پایه با هم یکی است و ماهانه این برنامه بطور ننی برای دانش آموزان قابل رویت است. غیر از این مسئولین آشپزخانه موظف هستند نیاز دانش آموزانی را که رژیم غذایی ویژه دارند مانند گیاهخواران، آلرژی، موانع مذهبی و غیره را برآورده کنند. رستوران مدرسه باید محلی برای تجدید قوا، ملاقات، ایجاد همبستگی و فراهم آوردن فضای برابر بین دانش آموزان و بزرگسالان باشد. آن دسته از پرسنل مهد کودک ها و مدارس که بنا به نیاز دانش آموزان مجبورند با آنها غذا بخورند هزینه ای متقبل نمی شوند.

روز ۱۳ ژانویه در هنگام پیاده روی روزانه به برنامه اخبار رادیویی محلی گوش می کردم که مصاحبه ای مستقیم با مسئول تغذیه مدارس در استان غرب سوئد داشت. خبرنگار رادیو از وی خواست که در مورد مشکلات و چالش های این وضعیت جدید، با توجه به اینکه اکنون دانش آموزان در منازل خود کلاس ها را از طریق نت برگزار می کنند، چگونه مسئله تغذیه ی دانش آموزان را حل نموده اند؟ مسئول مربوطه ضمن اقرار به دشواری این مسئولیت و چالش و موانعی جدیدی که بطور واقعی در مقابلشان قرار گرفته است می گوید: ما بسرعت برای این وضعیت جدید راه حل پیدا کردیم. در وهله ی اول هدف ما این است که مطمئن باشیم که دانش آموزان اگر چه فیزیکی در مدرسه حضور ندارند ولی همچنان غذای مناسب به بدنشان می رسد. برنامه غذایی مدرسه بطور هفتگی روی نت دانش آموزان قرار دارد و

**مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!**

## ترامپ ستیزی تقوایی اصالت ندارد

جاوید حکیمی



اپوزیسیون هوادارشان را برای روز مبادا رو بیاورند. کوششی که بورژوازی با توجه به عروج جنبش کارگری و حضور بی شمار صف فعالین چپ و آزادیخواه و سوسیالیست، یکدم از آن غافل نبوده است.

در همان ماه پمپئو و مسیح علینژاد در کاخ سفید و پشت درهای بسته "راجع به مصائب زنان و طرق آزادی آنان" به گفتگو نشستند. این مشاهده و احساس مسئولیت ناشی از آن تکانی به اردوی چپ جامعه ایران داد. احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست و نیز فعالین مستقل و آزادیخواه هر یک به فراخور دانش و امکانات مادی و معنوی خود کوشش بی‌امانی را برای نقد جریانات راست و افشای اهداف پنهان و آشکار دشمن طبقاتی بکار گرفتند. یک اقدام دیگر کمونیست‌ها از جمله حزب ما، تلاش برای همکاری نیروهای انقلابی و کمونیست برای سرنگونی انقلابی و معنای آن و تقویت یک آلترناتیو سوسیالیستی برای مقابله با پروژه آلترناتیو سازی بورژوائی اردوی راست بود. هدف و پیام روشن این اقدام، کوششی بود برای ارسال این پیام به کارگر و زحمتکش ایران که به غیر از فاشیسم، شما انتخاب دیگری هم دارید، که می‌شود جهان را از چنگ بربرها نجات داد، سوسیالیسم ممکن است! پس از قرن‌ها حاکمیت بربریت سرمایه داری حالا نوبت پیروزی کارگر و سوسیالیسم است.

تقوایی که امروز نگران بالا آمدن لجن در جامعه آمریکاست آن روز در مقام دفاع از آمریکا برآمد و علیه تمام چپ بی‌هیچ تفکیک و تبصره ای نوشت:

"این چپ سابق پرو سوویت و امروز پرو پوتین، در صف بندی جهانی کنار روسیه و چین قرار می‌گیرد و ضد آمریکایی است".

معنای این گفته به ویژه با مخاطب قرار دادن تمام چپ هیچ چیز نبود جز ایستادن کنار آمریکای ترامپ. تقوایی در پاسخ به این پرسش که این لجن های اسلامی را آمریکا بر ما حاکم کردند، گفت، آن سیاست چهل سال پیش بود. امروز آمریکا تغییر رویه داده است. مصطفی صابر رییس دفتر سیاسی، بحث نظری و سیاسی را بكل کنار گذاشت و مسئله را امنیتی کرد. ایشان که از نقد جریانات و شخصیت های اپوزیسیون دست راستی و پرو آمریکا توسط کمونیست‌ها سخت برآشفته بود با لحنی پرخاشگرانه خطاب به چپ‌ها گفت: "شما چکاره ای، شما که چپ هستید و می‌خواهید جمهوری اسلامی را ببندازید، جمهوری اسلامی را ول می‌کنید و به رضا پهلوی، مجاهد، عبدالله مهندی، مسیح علینژاد حمله می‌کنید. خب عملا در کنار جمهوری اسلامی قرار می‌گیرید و ادبیات تان شبیه کیهان شریعتمداری می‌شود".

چنانکه ملاحظه کردید این موضع حزب کمونیست کارگری در خصوص آمریکا و جد و جهد شیفتگان و امیدواران ترامپ در زمانه ای بود که رییس جمهور فاشیست کیا و بیایی داشت. حزبی که تا پیش از انتخابات به خاطر آمریکا و مستدل کردن "دیپلماسی کمونیستی" و دیدار با "بزرگان لشکری و کشوری" و وزیر خارجه ترامپ، کل چپ یک جامعه را به باد ناسزا می‌گرفت اینک ناگهان و یک شبه متحول شده

ترامپ بدون تردید یک رئیس جمهور فاشیست است. رئیس جمهوری با مواضعی بشدت ارتجاعی، آشکارا ضد کمونیزم، ضد پناهجو، ضد زن و ضد تمام ارزش های انسانی. با این همه هیچ رئیس جمهوری به اندازه ترامپ با جریانات سرنگونی طلب (مجاهد و حزب کمونیست کارگری)، براندازان (سکولار دمکرات و شورای مدیریت گذار)، اصلاحات چی ها (فایزه رفسنجانی) و استعفاطلبان (محمد نوری زاد) همسو و همراستا نبوده است. این هم از عجایب دنیای سیاست است که افراد و احزاب اپوزیسیون مدعی آزادی در یک کشور با رئیس جمهور آشکارا فاشیست کشور دیگر همونوا باشند. وقتی هدف مشترک باشد پیوندهایی اینچنین طبیعی می‌نماید. تمام این جریانات، پیش از انتخابات آمریکا آشکارا به پیروزی ترامپ امید بسته و روی روندهای پس از آن حساب باز کرده بودند. برای مثال از نظر حزب کمونیست کارگری پیروزی ترامپ به معنای افزایش دامنه و شدت تحریم و لاجرم تضعیف حکومت اسلامی بود و برای فرسنگرد یعنی قوت گرفتن امکان هجوم نظامی. شکست ترامپ اما معادلات را به هم ریخت و امیدهای بسیاری را به باد داد. برخی جریانات همپای ترامپ زیر بار پذیرش شکست نرفتند. در این میان تقوایی با یک چرخش صد و هشتاد درجه ای، از کمپ جمهوری خواهان به اردوی دمکرات ها نقل مکان کرد و متحدان سابق خود را انگشت به دهان ساخت. کسی اگر می‌خواهد "اصول کمونیزم سیاسی" و کاربست آن را بیاموزد اکنون بهترین زمان است.

حمید تقوایی امروز و پس از شکست ترامپ می‌نویسد ترامپ لجن جامعه را رو آورد. در این گفته حقیقتی ژرف نهفته است. شاید هیچ طبقه ستمکشی در جهان معنای بالا آمدن لجن در جامعه را آنقدر عمیق و آنقدر تلخ درک نکرده است که ستمکشان ایران. لجن ها در ایران نه یک سال، دو سال، چهار سال، که چهل سال است زندگی قریب به سه نسل را تباہ کرده اند. دولت های سرمایه داری و در راس آنها آمریکا چهل سال پیش و در کنفرانس گوادلوپ تمام لجن های جهان را یکجا به روی جامعه ایران ریختند. از آن پس، مردم در ایران زندگی نمی‌کنند، حتی دیگر امید به زنده ماندن هم ندارند. آنها فقط اعتراض می‌کنند و در انتظار آزادی یا کشته شدن بسر می‌برند. پاره ای طاقت انتظار هم ندارند و خودکشی می‌کنند.

تقوایی اما پیشتر راجع به آمریکای ترامپ چنین درشت گویی نمی‌کرد، سهل است، منتقدین را چپ سنتی، پرو پوتین و پرو سوویت لقب می‌داد.

چنانکه می‌دانیم کنفرانس ورشو در فوریه دوهزار و نوزده برای برگزار کنندگان متوهم و خام اندیش اش، قرار بود همان کارکردی را برای جامعه در حال انفجار ایران داشته باشد که کنفرانس گوادلوپ. با حمایت جانبی و سیاسی نهادهای همین دولت‌ها با به خط کردن ترکیبی از منحط ترین جریانات بورژوائی نظیر مجاهد، فرسنگرد، سلطنت طلبان آریایی، قوم پرستان، ملی اسلامی های فاشیست و ناسیونالیست های متفرقه در صدد علم کردن آلترناتیو دست ساز خود برآمدند. می‌خواستند

## رئیس جمهور آمریکا و آزادی بیان

سیاوش دانشور



بلکه عملی علیه جان و امنیت شهروندان دیگر است. اگر ترامپ یک شهروند معمولی بود یا رئیس یک حزب بورژوائی بود و دولت روزنامه و صدایش را می بست، باید مدافعین آزادی بیقید و شرط بیان این عمل را محکوم و از حق آزادی بیان وی دفاع میکردند. اما دفاع از آزادی بیقید و شرط بیان معنی اش دفاع از حکام و سلب کنندگان آزادی بیان شهروندان نیست. بورژوازی آمریکا، هر جناحش، با دسترسی وسیع به شبکه های جهانی و هنر در بمباران جامعه با جفنگیات، نیازی به دفاع ما ندارد. من بستن حساب توئیتر ترامپ توسط یک سرمایه دار هوادار حزب رقیب را بحثی مربوط به آزادی بیان نمی دانم و هر دفاعی از این اقدام توئیتر را همراهی با سیاست دمکراتها میدانم.

بستن حساب توئیتر دونالد ترامپ بحث برسر آزادی بیان را داغ کرده است. به نظر صورت مسئله وارونه است و آزادی بیان در این میان بی تقصیر است. اولاً، آزادی بیان بحثی در مورد حقوق شهروند است و نه حقوق دولت و روسای دولتها و مولتی میلیاردها و کنسرن های مافیائی خبری. ثانیاً، دولت موظف به رعایت حق آزادی بیان شهروندان و تضمین تحقق این حق است و نه شهروندان موظف به دفاع از حقوق روسای جمهور و دیکتاتورها.

اتفاقی که افتاده اینست: دمکراتها در این روزهای آخر کلیه امکاناتشان را برای از میدان بدر کردن ترامپ، دادگاهی او و ممانعت از ابراز وجود وی در دوره آتی دنبال می کنند. توئیتر بعنوان متحد دمکراتها در همین کمپین بازی می کند. این رقابت بخشهای مختلف بورژوازی است و ربطی به کارگران آمریکا و کمونیست ها ندارد. کمونیسم و کارگر در آمریکا برای پیشروی باید ابتدا از روی جناح های متفرقه سرمایه اعم از دمکرات و جمهوریخواه تا فاشیست رد شود.

مالک و مدیر عامل توئیتر جناب جک دورسی از میلیاردرهای دمکرات است. امثال دروسی و بیل گیت و دیگران بعنوان لایه سرمایه داران جدید و مالکان انحصاری رسانه ها در دنیای سوشیال میدیا، نمیتوانند شاخص تعیین و تشخیص آزادی بیان و یا تحقق آزادی بیان باشند. اولین شرط مهم تحقق آزادی بیان شکستن انحصار دولت و قدرتهای اقتصادی بر رسانه ها است.

من از آزادی بیان فاشیست ها هم دفاع میکنم اما تحریک به عمل فاشیستی و مثلاً سوزاندن کمپ مهاجرین دیگر جزو آزادی بیان نیست

۱۳ ژانویه ۲۰۲۱

## ترامپ ستیزی تقوایی اصالت ندارد ...

است. حالا تقوایی متوجه شده که یک رسالت روتین ترامپ و پمپو در این چهارسال رو آوردن لجن های جامعه بوده است!

اکنون باید برای خواننده روشن شده باشد که جوهر "کمونیسم سیاسی" مورد نظر ایشان چیست؛ اپورتونیسیم! ترامپ ستیزی تقوایی قلابی است و اصالت ندارد. نزد دوستان و متحدان سابق این حزب به ویژه سلطنت طلبان، این گواه غیر قابل اعتماد بودن است. نزد ما کمونیست ها، این چیزی نیست جز چراغ سبز دادن ناسیونالیسم چپ به دمکرات ها. به هر حال سیاست باید به روز و منعطف باشد!

۱۳ ژانویه ۲۰۲۱

**دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی،  
درمانی و بهداشتی شهروندان در شرایط  
گسترش پاندمی کرونا است!**

### واکسیناسیون رایگان

با استانداردهای بهداشت جهانی،  
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

COVID-19  
Vaccine  
رایگان  
استانداردهای  
بهداشت جهانی  
برای همه



## زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را  
همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات  
شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان  
مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!**

## سازمان زحمتکشان کردستان ایران باید جوابگو باشد!

صالح سرداری

چند روزی است ویدیویی از طرف سید حیدر حسینی پدر فردی بنام آپو حسینی که پیشمرگ سازمان زحمتکشان (جناح مهدی) بوده، در میدیای اجتماعی می چرخد. وی ادعا میکند آنطوریکه سازمان زحمتکشان عبدالله مهدی اعلام کرده، فرزندش خودکشی نکرده است، بلکه در ماه آگوست ۲۰۲۰ کشته شده است.

در این ویدئو حیدر حسینی ادعا میکند که فیلم و اسنادی در اختیار دارد که ادعای وی را ثابت میکند و بخشی از فیلم را هم منتشر کرده است. او مدعی است که این فیلم ها مربوط به دوربین های مدار بسته اردوگاه سازمان زحمتکشان را از آسایش (نیروی انتظامی) در سلیمانیه بدست آورده و بر مبنای آن و شواهدی دیگر در دادگاهی در همین شهر در ارتباط با قتل فرزندش شکایت کرده است.

ما قبلا در مورد ماهیت این سازمان مفصل نوشته ایم و اقدامات ضد آزادی، نقشه ترور مخالفین خود، را به اطلاع افکار عمومی رسانده ایم.

هراز چند گاهی از طرف رهبری یا اعضا و پیشمرگان سازمان زحمتکشان و شاخه دیگر آن اخبار خودکشی تعدادی از اعضای این جریانات تحت نام در یک (حادثه ناگوار) منتشر میشود. همین چند ماه قبل بود که خبر مرگ دختر و پسری جوان و نوجوان را تحت همین نام منتشر کردند. در سازمان زحمتکشان به رهبری عمر ایلخانی زاده در یک مورد درگیری در داخل مقر آنها در هه لگورد پسر جوانی به نام نیما کشته شد که بعد از اظهار نظرهای ضد و نقیض مسئولین این سازمان قول دادند که کمیته ای را جهت تحقیق و روشن شدن چگونگی این درگیری تشکیل بدهند که بعد از گذشت نزدیک به یکسال هنوز هیچ اطلاعاتی را در این باره به خانواده ها و افکار عمومی نداده اند. در این مورد اخبار و شایعات زیادی در میدیای اجتماعی پخش شده و سایت های وابسته به رژیم هم در همین رابطه داستان را طور دیگری منتشر کرده اند.

این خودکشی ها و یا احیانا کشته شدن آنها در "حوادث ناگوار" در طی چند سال اخیر مرتب و با آمار در مفرها و اردوگاههای این دو سازمان وجود داشته و روایت های متفاوتی از چگونگی قربانی شدن این افراد وجود دارند. خانواده های این قربانیان مرتب خواستار روشن شدن چگونگی از بین رفتن فرزندانشان از این دو سازمان شده و آن را پیگیری کرده، اما جواب روشن و قانع کننده ای به آنها داده نشده و هنوز در سوگ مرگ فرزندانشان منتظرند که جوابی به آنها داده شود.

تا آنجائیکه به ماهیت این سازمانها برمیگردد ما مرتب در سالهای گذشته

در مورد ماهیت سیاسی و ظرفیت های ضد انسانی و ارتجاعی آنها نظر خود را گفته ایم. جنگ و درگیری میان آنها و جدائیها و زد و خورد و سر و دست شکستن همدیگر برسر قدرت رهبران شان را شاهد بوده ایم. اگر آسایش سلیمانی همه آنها را برای چند روزی خلع سلاح نمیکرد چه بسا بر اثر برخورد مسلحانه عده بیشتری هم کشته می شدند.



رهبران این دو سازمان در چهارچوب رقابت های خود چند سال قبل بی توجه به اوضاع سیاسی و نظامی کردستان تیم هایی از نیروهای خودشان را به داخل ایران فرستادند که متأسفانه اکثر آنها از بین رفتند. احساس مسئولیت نکردن در قبال جان کسانی که به آنها ملحق میشوند مثل روز روشن است. بهمین خاطر ما از جوانان کردستان که خواهان مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی ایران هستند خواسته ایم به صفوف اینها نپیوندند. اینها بارها نشان داده اند که در حفظ جان و امنیت فرزندان مردم قابل اعتماد نیستند.

تا آنجائیکه به ادعای پدر آپو حسینی برمیگردد حق بی چون و چرای وی و همه خانواده هایی است که عزیزانشان را از دست داده اند که بدانند برسر جگرگوشه هایشان چه آمده است؟ حتی اگر این افراد خودکشی کرده اند، دلیلش چه بوده است؟ کدام فضا و مناسبات آنها را وادار به خودکشی کرده است؟ سید حیدر حسینی در این فیلم، مدعی است فرزندش آپو حسینی خودکشی نکرده و کشته شده است. او میگوید که در این رابطه بعد از مراجعات زیاد به مسئولین این سازمان، جوابی به وی نداده و تا بحال سکوت کرده اند.

از نظر مردم آزادیخواه و احزاب سیاسی مسئول، دادخواهی حق هر کس و هر خانواده ای است که عزیزش را بهر دلیلی از دست داده است. مسئولین سازمان زحمتکشان به رهبری مهدی نباید بیشتر از این طفره بروند. باید پاسخگو باشند و افکار عمومی را در جریان بگذارند. دفاع از ایجاد فضای سالم سیاسی در جامعه برای فعالیت آزادانه همه افراد و احزاب و نهادها و تشکلات، وظیفه آزادیخواهان و احزاب و جریانات سیاسی و مسؤول است. پیگیری حقایق از دست رفتن این جوانان، حق بی چون و چرای خانواده های آنها و هر نهاد آزادیخواه و انساندوست است.

\*\*\*

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash\_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونست

زنده باد سوسیالیسم!